

حقوق اقتصادی: شروعی دوباره

آیا شکاف اقتصادی، ریشهٔ حملات یازدهم سپتامبر است؟ چندین سال است که سازمان‌های حقوق بشر، مبارزه با نابرابری اقتصادی را راس اولویت‌های خود قرار داده‌اند.

فیلیپ دومونه

خبرنگار پیام یونسکو

اتحادیه‌های تجاری و اعتصاب و نیز حق برخورداری از بهداشت و آموزش، محقق می‌شود.

طی سال‌های متمادی، اهداف بلند پروازانهٔ این پیمان و نیز جنگ سرد، راه را بر اجرای آن سد کرده بود. کشورهای کمونیستی، اصول پیمان را ستودند ولی غرب، بیشتر به آزادی‌های مدنی و سیاسی آن علاقه‌مند بود. گرچه سازمان‌های فعال، هم خود را مصروف دفاع از تمام حقوق بشر کرده بودند، برخی از آنها مانند فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های حقوق بشر، عملاً تنها بر آزادی‌های سیاسی و مدنی تمرکز داشت.

آنتوان برنارد، معاون اجرایی فدراسیون، می‌گوید:

«این کار ساده‌ای نیست.

پی بردن به تأثیر

سرمایه‌گذاری اقتصادی بر

حقوق بشر، بسیار دشوارتر

از درک چگونگی تأثیر آن

بر محیط‌زیست است.»

«باید به خاطر داشت که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، بسیاری از حکومت‌های استبدادی - از جمله حکومت‌های کمونیستی آمریکای لاتین، آسیایی و آفریقایی کاری کردند که دفاع از حقوق مدنی به اولویت مطلق ما بدل شد.» احیای حقوق اقتصادی، یکی از پیامدهای سقوط دیوار برلین و جهانی سازی بود. پی‌یر سانه دبیر کل اسبق سازمان عفو بین‌الملل*، در گزارش سالانهٔ ۲۰۰۱ این سازمان می‌گوید: «با گسترش اقتصاد بازار، نظام‌های سیاسی چند حزبی و وقوع دگرگونی‌هایی در زمینهٔ فناوری، جهانی سازی برای عده‌ای، ثروت فزاینده و برای بسیاری، فقر و نومیدی به ارمغان آورده است.» از زمان توسعهٔ اختیارات سازمان عفو بین‌الملل، پژوهشگران و مدیران برنامه‌های آن، آزادی عمل

در اواسط دههٔ ۹۰، سازمان‌های غیر دولتی مهم فعال در زمینهٔ حقوق مدنی و سیاسی یکی پس از دیگری زیر لوای «حقوق اقتصادی» همداستان شدند. فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های حقوق بشر (FIDH) و ۱۰۵ وابستهٔ ملی آن همراه سازمان دیده‌بان حقوق بشر و حامیان در جوامع دانشگاهی نیز در پس این پرچم حرکت می‌کردند.

طرفه آنکه در سال ۱۹۹۶، سازمان امدادهای پزشکی اضطراری پزشکان بدون مرز با دو هزار عضو داوطلب در سراسر جهان مبارزه‌ای را آغاز کرد تا داروهای ضروری در دسترس همگان قرار گیرد و سرانجام، سازمان عفو بین‌الملل و یک میلیون عضو آن نیز در ماه اوت گذشته به این جنبش پیوستند.

این سازمان‌ها می‌گویند برای آنکه بتوانیم جنبش را تعریف کنیم «باید ثابت قدم باشیم و بجای عمل کنیم.» دولت‌ها، به سبب نارسایی‌هایشان در سیاست‌های بهداشتی و آموزشی؛ شرکت‌های فراملیتی به سبب تزویر در تجارت در مناطق فقر زده؛ و نهادهای مالی بین‌المللی به سبب نادیده گرفتن عوارض اجتماعی برنامه‌هایشان باید مورد انتقاد قرار گیرند.

آن سوی جنگ سرد

آیا این نهادها دیر از خواب غفلت برخاسته‌اند؟ حقوق اقتصادی، به طور قانونی، در پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، محفوظ داشته شده است. این پیمان که در شانزدهم دسامبر ۱۹۹۶ (همراه پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، ده سال بعد به مرحله اجرا گذاشته شد و ۱۴۱ کشور آن را امضا کردند. از دولت‌ها انتظار می‌رود گام‌هایی برای بهبود سطح زندگی مردمشان بردارند. این امر، از راه تأمین غذای کافی، پوشاک و مسکن، حق انتخاب شغل، آموزش و دستمزد «عادلانانه»، حق عضویت در

بیشتری یافته‌اند. بندیکت گودریو، پژوهشگر سازمان، می‌گوید: «تاکنون، قحطی سودان را نتیجهٔ کوچ اجباری مردم به دلیل نقض حقوق مدنی و سیاسی شان می‌دانستیم اکنون می‌توانیم قضا را بطور دیگری ببینیم. برای مثال، آیا مردم غذایی برای خوردن دارند یا خیر؟»

پرهیز از شعار

اما همان طور که برنارد خاطر نشان می‌سازد، «مبارزه برای آزادی یکی از افراد اپوزیسیون آسان تر است تا تغییر دادن سیاست اصلاحات ساختاری.» شاید در تمام دنیا، آزادی، اصلی نقصان‌ناپذیر باشد ولی لزوماً کسی نمی‌تواند خواهان برخورداری مساوی از خدمات بهداشتی یا اشتغال در کشورهای ثروتمند و فقیر باشد. جوان ست (Joanne Csete)، متخصص HIV / AIDS و حقوق کودکان و پژوهشگر در سازمان دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید: «باید بتوانیم معیارهای حداقلی وضع کنیم تا برای فقیرترین کشورها هم کاربرد داشته باشد.» از همین حالا هم برخی از فعالان، مبهوت دامنهٔ وسیع حقوق اقتصادی و پاره‌ای گزارش‌هایی که به طومار شکایت می‌ماند، شده‌اند. ماه ژوئن گذشته، سازمان دیده‌بان حقوق بشر، گزارشی دربارهٔ کودکان کنیایی مبتلا به ایدز، منتشر کرد. این گزارش، پس از بحثی طولانی در خصوص تأثیر این بیماری مسری در آفریقا از دولت کنیا خواست تا اطمینان دهد که همهٔ کودکان دبستانی به مدرسه می‌روند. ست که گزارش را نوشته است می‌گوید: «سعی می‌کنیم بعضی اقدامات عملی را به دولت‌ها توصیه کنیم ولی شاید در این زمینه، بیش از حد، خوش بین بوده‌ایم.»

وی با تلاش در پرهیز از به کار بردن کلیشه‌هایی از این دست می‌گوید سازمان دیده‌بان حقوق بشر، تصمیم گرفته است هم خود را مصروف «وضعیت‌هایی کند که در آن عملکرد مستبدانهٔ دولت‌ها موجب نقض حقوق اقتصادی و اجتماعی می‌شود.»

سازمان عفو بین‌الملل وعده کرده است تا مرجعیت سنتی اخلاقی خود را با مشخص ساختن موارد نقض حقوق فردی و بدون اظهار نظر شخصی دربارهٔ آنها حفظ کند و آنگاه تحقیقی کامل و بی‌طرفانه دربارهٔ این موارد به عمل آورد. سلیل تریپاتی

(Salil Tripathi)، مدیر برنامه روابط اقتصادی و حقوق بشر، می‌گوید: «تلاش ما پاسخ به این سؤال است که آیا سلامت جسمی و ذهنی فرد با تضييع حقوق اقتصادی مختل می‌شود یا خیر؟ این کار ساده‌ای نیست. پی بردن به تأثیر سرمایه‌گذاری اقتصادی بر حقوق بشر، بسیار دشوارتر از درک چگونگی تأثیر حقوق اقتصادی بر محیط‌زیست است.»

برای مثال، چگونه می‌توان تأثیر ممنوعیت ورود به اراضی فلسطینی و خروج از آن را بر حقوق اقتصادی و اجتماعی ساکنان آن سنجید؟ فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های حقوق بشر (FIDH)، کوشیده است به این امر، جامه عمل بپوشاند. برنارد می‌گوید: «ما حجم صادرات گوجه‌فرنگی را از غزه پیش از ممنوعیت ورود و خروج و در حین آن در نظر گرفتیم. آن‌گاه اعداد و ارقام را مقایسه و میزان درآمدی که کشاورزان و خانواده‌هایشان از دست داده بودند، محاسبه کردیم.» مشکل دیگر این است که با گسترش یافتن میدان عمل، تعداد اهداف بالقوه نیز بسیار بیشتر می‌شود. اکنون موضوعات معمول این گزارش‌ها و نامه‌های سرگشاده، علاوه بر سران دولت‌ها نهادهای مالی بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی است. اما این

شرکت‌ها که نهادهایی خصوصی‌اند به هیچ روی پای‌بند پیمان‌های سازمان ملل نیستند. کمال ثمری، سخنگوی عفو بین‌الملل، می‌گوید: «بالآخره رؤسای شرکت‌ها هم انسان هستند. می‌توانیم آنها را متقاعد کنیم که کسب سود، لزوماً نباید با از دست رفتن جنبه اخلاقی کار قرین باشد.»

وضع آیین‌نامه عملکرد داوطلبانه اخلاقی

مدت‌ها پیش از آنکه عفو بین‌الملل، این اهداف گسترده را سرلوحه کار خود قرار دهد، سانه پیشگام این رویکرد جدید بود. او چهار سال پیایی به اجلاس سالانه سران اقتصادی جهان در داوز (Davos) سوئیس رفت تا در دفاع از پشتیبانی فعال از حقوق بشر، سخنرانی کند. وی همچنین با سران شرکت‌های نفتی، ملاقات و آنها را ترغیب کرد تا به وضع آیین‌نامه داوطلبانه رفتار اخلاقی بپردازند. این آیین‌نامه به شرکت‌ها در رعایت حدود اخلاقی کمک می‌کند.

سازمان‌های مهم حقوق بشر تصمیم گرفته‌اند با شرکت‌های چندملیتی همکاری کنند تا اینکه به رویارویی‌ای بالقوه پرهزینه با آنان، بپردازند. تریپاتی می‌گوید: «ما آیین‌نامه رفتار اخلاقی را تدوین نمی‌کنیم

ولی اگر شرکتی نظر ما را بپرسد، بر دو نکته تأکید می‌کنیم. یکی اینکه به کار بستن آیین‌نامه باید به گونه‌ای منظم توسط فرد یا نهادی بیگانه و مستقل - فردی دانشگاهی، سازمانی غیر دولتی یا شرکت بازرسی - کنترل و تأیید شود. دیگر آنکه اجرای آیین‌نامه در تمام سطوح و فعالیت‌های شرکت مورد نظر باشد و فقط در دفتر مرکزی آن اعمال نشود.»

برخی شرکت‌ها مانند شل، بی‌پی، لوی استراوس و ریباک خود آیین‌نامه‌هایی را تصویب کرده‌اند اما عملکردشان همواره با وعده‌هایشان هماهنگ نبوده است. برای مثال، عفو بین‌الملل به نکته‌ای مشابه درباره شرکت نفت کانادایی «تلیسمن انرژی» پی برد. این شرکت، در گرماگرم جنگ داخلی جنوب سودان، مشغول فعالیت بود. در ماه مه سال ۲۰۰۰، گزارشی از عفو بین‌الملل با عنوان بهای انسانی نفت، نیروهای دولتی و شبه نظامیان وابسته به آنها را در منطقه چاه‌های نفت به «نقض جدی حقوق بشر» از جمله کشتار و تبعید شهروندان متهم کرد. در گزارش قید شده بود که نیروهای دولتی مسئولیت حفاظت از تأسیسات شرکت تلیسمن را بر عهده داشتند. پس از این گزارش و گزارش‌های دیگر، این



شرق اکوادور: چگونه می‌توان آثار مخرب صنعت نفت را بر حقوق اقتصادی ساکنان بومی سنجید؟

شرکت آیین‌نامه عملکرد اخلاقی ای وضع و فردی را به صورت تمام وقت برای نظارت بر وضعیت حقوق بشر به کار گمارد. این شرکت همچنین، اعلام کرد که در گزارش‌های سالانه‌ای که به شیوه‌ای حرفه‌ای تنظیم شده و مورد بررسی قرار گرفته است، به بررسی «مسئولیت اجتماعی»، خود نیز می‌پردازد. عفو بین‌الملل به گزارش سال ۲۰۰۰ شرکت یاد شده به علت «گمرنگ نشان دادن موارد جدی نقض حقوق بشر» اعتراض کرد.

در طلب تأیید اخلاقی

شرکت‌های چندملیتی مشتاق کسب هرگونه برچسب رعایت موازین اخلاقی، سراغ سازمان‌های حقوق بشر می‌روند. برنارد می‌گوید: «آنها مرتب با ما تماس می‌گیرند و می‌گویند می‌خواهند نظر ما را بدانند ولی، در واقع می‌خواهند از ما برای صحنه گذاشتن بر کارهای خود استفاده کنند.» بهترین‌ترین دشواری‌هایی که سازمان‌های حقوق بشر، در حال حاضر با آن رو به رو هستند. «آزادی بیان» و «رسوا کردن» ناقضان حقوق بشر است. به گفته برنارد، اینها صرفاً «سلاح‌هایی نمادین است ولی می‌تواند وجهه اجتماعی شرکت یا کشوری را خدشه‌دار کند.»

یکی از نتایج این برنامه، فشار آوردن به صندوق بین‌المللی پول (IMF) برای تغییر نحوه برخورد این صندوق و اولویت‌های آن بوده است. سرجیوپیرالاینه، معاون دفتر اروپایی صندوق بین‌المللی پول، می‌گوید: از سال ۱۹۹۹، «تأکید ما بر این بوده است که صرف هزینه در امور اجتماعی مانند بهداشت و آموزش در کشورهایی که می‌کوشیم تراز پرداخت‌هایشان را بهبود بخشیم، حفظ شود. ما دیگر درباره برنامه‌های «اصلاحات ساختاری رشد و کاهش فقر» صحبت نمی‌کنیم بلکه آنچه به آن می‌پردازیم رشد کاهش فقر است. اکنون زمان آن رسیده است که مناسبات خود را با سازمان‌های حقوق بشر گسترش دهیم.»

پارهای از نهادها مانند فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های حقوق بشر می‌خواهند ابزاری قوی‌تر در اختیار داشته باشند. از جمله این ابزارها می‌توان از «دادگاه بین‌المللی اقتصادی» نام برد. در این دادگاه قربانیانی که سازمان‌های حقوق بشر نمایندگی‌شان را به عهده دارند، می‌توانند بر ضد دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی که حقوق اقتصادیشان را نقض کرده‌اند، به اقامه دعوی بپردازند. این پیشنهاد، خصوصت فراوان برانگیخته است، اما آنان که معتقدند حقوق اقتصادی

باید جنبه قانونی به خود گیرد، به منشور اجتماعی اروپا اشاره می‌کنند؛ منشوری که در سال ۱۹۶۱ به تصویب ۴۱ دولت عضو شورای اروپا رسید.

کمیته‌ای از کارشناسان مستقل که به کار بستن منشور را زیر نظر دارد به دعوی مطروحه سازمان‌های غیر دولتی معتبر رسیدگی می‌کند، در سال ۱۹۹۸، از پرتغال رسماً درخواست شد تا به بردگی کودکان پایان دهد و در سال ۲۰۰۱، یونان به سبب قوانینی که کار اجباری را به طور تلویحی مجاز می‌شمارد، هدف انتقاد قرار گرفت.

سیلویا استری، از مرکز مطالعات بین‌المللی مانک (Munk) در دانشگاه تورنتو می‌گوید: «نباید قوانین بازرگانی را جدای از موافقتنامه‌های بین‌المللی حقوق بشر، پنداشت. شاید محک واقعی، در دسترس قرار دادن داروهای ضد ایدز باشد. پیش از این، آفریقای جنوبی و برزیل، قوانین تجاری بین‌المللی مالکیت معنوی را به بهانه حقوق ابتدایی بشر در زمینه بهداشت، رد کرده‌اند.»

* - معاون فلی دیر کل یونسکو در علوم اجتماعی و انسانی.

سزار کاریلو* حق زندگی در کلمبیا

تحریف کرده‌اند تا ما را به چریک‌ها مرتبط نشان دهند و هدف حملات نیروهای شبه نظامی قرار دهند. دولت هم برای دفاع از ما در برابر این حملات چندان اقدامی نمی‌کند.

آیا تفاوتی بین نقض حقوق اقتصادی و نقض حقوق بشر وجود دارد؟ به عقیده من، حقوق مدنی و سیاسی، مهم‌ترین حقوق است. در مورد خود من، این حقوق، به سبب منع شدن از اجرای وظایف سندیکایی‌ام نقض شده است. حقوق اقتصادی، حقوق اساسی است که مردم را قادر می‌سازد تا زندگی مناسب و شایسته‌ای داشته باشند. اما، همان طور که گفتم، از آن مهم‌تر، خود حق زندگی است. ■

گفت‌وگوکننده: ازبل لویز، خبرنگار پیام یونسکو.

نظرتان درباره گرایش جدید بسیاری از سازمان‌های غیر دولتی در لحاظ کردن حقوق اقتصادی در کنار خواسته‌هایشان در زمینه حقوق مدنی و سیاسی چیست؟

پیش از این، بسیاری از آنها ما را مدافع حقوق بشر، محسوب نمی‌کردند ولی حالا، دیدگاهشان دگرگون شده است. در کلمبیا، اعضای سندیکاها، مبارزه‌ای بسیار سخت را در راه احقاق حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی، در پیش گرفته‌اند. امروز در کشور ما، اولویت با دفاع از حق زندگی است. اتحادیه ما، فعالیت‌هایی را در خصوص افشای سوءاستفاده‌ها در جوامع و دفاع از قربانیان، سامان داده است. ما با ناکامی دولت‌ها در پرداختن به موارد نقض بشر نیز مبارزه می‌کنیم.

بسیاری از مردم، جان خود را در این مبارزه‌ها از دست داده‌اند. در کلمبیای کنونی به اعضای سندیکاها به چشم قهرمان نگاه می‌شود. آنها اینجا بیش از هر کشور دنیا، به قتل می‌رسند. آمار اتحادیه کارگری (USO) نشان می‌دهد که ده‌هزار نفر از اعضای اتحادیه‌ها در معرض خطر مستقیم هستند. عفو بین‌الملل، فهرست اسامی ۱۱۲ عضو سندیکاها را که سال گذشته و ۹۳ نفر دیگر را که تا ماه اوت امسال در کلمبیا به قتل رسیدند، ارائه داد. در سال‌های اخیر، تنها بیش از پنجاه عضو اتحادیه کارگری کشته شده‌اند. به نظر من، این امر بدین علت است که با انتقاد از ما هویت‌مان را

* از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۵، سزار کاریلو، رئیس مهم‌ترین اتحادیه کارگری بسیار تحت تعقیب و آزار واقع شده صنعت نفت، به نام اتحادیه کارگری Union Sindical Obera یا USO بود. در سال ۱۹۹۶، او و بانزده همکارش دستگیر شدند. کاریلو، ۱۸ ماه را در زندان به سر برد. در پایان سال ۱۹۹۸، پس از قتل و کیش، ادواردو اوامانا مندوزاو، تهدید به قتل و ناچار از جلا وطن شد.